

نقش عالمان شیعه در فقه التریبه

سیدنتقی موسوی^۱

نقش عالمان شیعه در فقه التریبه، سیدنتقی موسوی در: نقش شیعه در اخلاق، تربیت و حقوق، کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی، قم: امام علی بن ابیطالب ع، ۱۳۹۷ ش

چکیده

این نوشتار با توجه به وضع موجود فقه تربیتی و ادبیات در حال تزیاید آن و لزوم ریشه‌یابی و تثبیت جایگاه آن در فقه سنتی و نیز ضرورت توجه به آینده فقه تربیتی، بر آن شد تا گذشته فقه تربیتی در تراث فقه شیعه را بازخوانی نماید. بر این اساس در بخش گذشته فقه تربیتی، مجموعه تجویزات تربیتی در فقه شیعه در سه محور مسائل تربیتی مرحله اول، دوم و سوم (بر اساس الگوی سه هفت‌سال) گردآوری و طبقه‌بندی و در پایان، با نگرشی تحلیلی و آسیب‌شناسانه آنها را بررسی می‌کنیم. در بخش آینده فقه تربیتی مبتنی بر خلاءهای استنتاج‌شده، رویکردها و قلمروهای جدیدی به

۱. دکترای فقه تربیتی، Snmosavi57@gmail.com

فقیهان تربیتی پیشنهاد شد تا بر اساس آن، فرایند تولید علم در فقه تربیتی بر اساس نقشه و آینده‌پژوهی باشد. این بخش بر لزوم اتخاذ رویکرد اجتماعی، حکومتی و سازمانی به تربیت، تأکید داشت و بر نگاه نظام‌وار و فرایندنگر به تربیت؛ اشراق نگاه تمدنی و جهانی در تفقه تربیتی؛ اتخاذ رویکرد نیازسنج و مسئله‌یاب در فقاهت تربیتی و نیز گسترش مطالعات درباره فقه تربیتی؛ دیده‌بانی و پایش پدیده‌های تربیتی مستحدث؛ ورود به سیاست‌گذاری و سندنگاری تربیتی و همدوشی با اخلاق و حقوق تعلیم و تربیت تأکید شد.

کلیدواژه‌ها: تفقه تربیتی، فقه فرایند تربیت، فقه مهدکودک، فلسفه فقه تربیتی، تربیت اسلامی، آینده‌پژوهی در فقه تربیتی.

طرح مسئله

وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ ش و طراحی و تأسیس حکومت مبتنی بر فقه شیعه، نشان از ظرفیت بالای فقه شیعه در اداره امور سیاسی و اجتماعی داشت. هنوز بهت اردوگاه‌های چپ و راست سیاسی و ناباوری گفتمان‌های لیبرالیستی و سکولاریستی از چنین واقعه‌ای ادامه دارد.

به تبع این تحول سیاسی و اجتماعی، تلاش‌های خودباورانه‌ای برای گسترش مرزهای علوم اسلامی از جمله علم فقه صورت گرفت و به مرور کلیدواژه فقه‌های نو به موازات تعبیر فلسفه‌های مضاف در ادبیات علوم اسلامی و علوم انسانی سربرآورد و کم‌کم از فقه اقتصادی، فقه سیاسی، فقه جزایی و... سخن به میان آمد و موضوع تأملات و پژوهش‌ها شد. در سال‌های اخیر این موج سرعت بیشتری گرفت و واژه فقه حتی به موضوعات ریزتر (و نه الزاماً قلمروی از دانش یا بخش مهمی از رفتار انسان) نیز اطلاق شد؛ مانند فقه گردشگری، فقه فضای مجازی و... .

هرچند تحلیل و تبیین پدیده رواج فقه‌های نو و آسیب‌شناسی آن، موضوع این نوشتار حاضر نیست، باید دانست که نقش مدیریت در فرایند تولید علم را نباید فراموش کرد و اگر این جریان‌ات نوظهور در فقه شیعه بدون طراحی و نقشه علم و با شتابزدگی پیش روند، شعله‌های این حرکت نورانی افول خواهد نمود؛ همچنان‌که انقطاع این فقه‌های نو از سنت فقهی شیعه و تراش سلف صالح نیز موجب می‌شود که این ابواب نوین، در بستر حوزه‌های علمیه تثبیت

نشود و بی‌ریشه به شمار آید و سر از التقاط و عرفی‌سازی فقه درآورد. گفتنی است که بخش بزرگی از هویت فقه در گذشته ریشه دارد؛ اما در رویکردهای افراطی، فقاہت دچار گذشته‌گرایی منفی می‌شود و در رویکردهای تفریطی (منتسب به جریان‌ات روشنفکری دینی) انقطاع از سنت فقهی و گذشته‌گزیزی تجویز می‌شود.

این نوشتار با این پیش فرض که روند تولید علم و توسعه فقه‌های نو باید مبتنی بر مدیریت تولید علم و براساس گذشته‌پژوهی و آینده‌نگری باشد، درصدد است یکی از فقه‌های نوظهور یعنی فقه تربیتی را مدنظر قرار دهد و گذشته آن را در تراث فقهی شیعه تبیین نماید و مبتنی بر وضع موجود فقه تربیتی، از وضع مطلوب آن سخن بگوید. براین اساس، روش تحقیق این نوشتار روشی تاریخی و تحلیلی خواهد بود.

فقه تربیتی در قرن چهارده هجری در دامن فقه شیعه و مکتب قم شکل گرفت و در حال تثبیت هویت خود به‌مثابه

دانشی^۲ میان‌رشته‌ای^۳ در عرصه تربیت‌پژوهی و بابتی مستقل در فقه است که به لحاظ موضوع، وامدار علم و عمل تربیتی و به لحاظ محمول و روش‌شناسی، متکی بر دانش فقه می‌باشد و درصدد است احکام شرعی افعال اختیاری مریبان و متریبان در مقام تربیت را از منابع آن (کتاب، سنت و عقل) استنباط کند.

با توجه به وضع موجود فقه تربیتی و ادبیات در حال تزیاید آن لازم است تا ریشه‌ها و خاستگاه این باب جدید فقهی بررسی شود تا هم ظرفیت تراث گذشتگان برای تکمیل و تقویت تفقه تربیتی شناسایی شود و هم چراغی برای آینده فقه تربیتی برافروزد.

براین اساس، در ادامه در بخش گذشته فقه تربیتی می‌کوشیم گزارشی از مسائل تربیتی موجود در تراث فقهی شیعه

۲. برای توصیف عرصه‌ای مطالعاتی به وصف علم، شاخص‌هایی چون تنقیح نظریه و مبادی و مبانی آن، تألیف متون پژوهشی، تدوین کتب درسی، انتشار مجلات علمی پژوهشی، تجمع دانشوران، برگزاری کرسی‌های متعدد درس، برگزاری رشته تحصیلی و اخذ مجوز از مراجع ذی صلاح و موارد مشابه لازم است. انتشارات مؤسسه اشراق و عرفان با محوریت استاد علی رضا اعرافی تاکنون (تیر ۹۶) چندین عنوان از سلسله مجلدات فقه تربیتی را به چاپ رسانده که اطلاعات کتاب‌شناختی آن به قرار زیر است:

۱. علی رضا اعرافی، فقه تربیتی مبانی و پیش‌فرضها، ج ۱، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، ۱۳۹۱.
۲. همو، فقه تربیتی تعلیم و تعلم علم و دین، ج ۲، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، ۱۳۹۱.
۳. همو، فقه تربیتی تعلیم و تعلم علوم عقلی، ج ۴، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، ۱۳۹۵.
۴. همو، فقه تربیتی تعلیم و تعلم علوم شهودی، ج ۵، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، ۱۳۹۵.
۵. همو، فقه تربیتی آداب مشترک تعلیم و تعلم، ج ۷، تحقیق و نگارش: احمد امامی‌راد، ۱۳۹۵.
۶. همو، فقه تربیتی تربیت عبادی، ج ۲۴، تحقیق و نگارش: مهدی شکرالهی، ۱۳۹۶.
۷. همو، تربیت فرزند با رویکرد فقهی (از سری بحث‌های فقه تربیتی)، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، ۱۳۹۲.
۸. همو، احکام تربیت فرزند (از سری بحث‌های فقه تربیتی)، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، ۱۳۹۲.
۹. همو، روش‌های تربیت (از سری بحث‌های فقه تربیتی)، تحقیق و نگارش: گروهی از پژوهشگران، ۱۳۹۵.

و نیز چند عنوان از این سلسله در آستانه اتمام و انتشار می‌باشد که اطلاعات آن به قرار زیر است:

۱۰. همو، فقه تربیتی تربیت جسمانی، ج ۲۱، تحقیق و نگارش: قاسم رجایی.
۱۱. همو، فقه تربیتی تربیت خانوادگی، ج ۲۹، تحقیق و نگارش: جواد ابراهیمی.
۱۲. همو، فقه تربیتی تربیت مردمی، ج ۳۵، تحقیق و نگارش: سیدآقا حسن حسینی.
۱۳. همو، فقه تربیتی تربیت جنسی، ج ۲۶، تحقیق و نگارش: احمد امامی‌راد.
۱۴. همو، فقه تربیتی تعلیم و تعلم قرآن و حدیث، ج ۳، تحقیق و نگارش: سیدعنایت کاظمی.

همچنین جامعه‌المصطفی العالمیه پس از اخذ مجوز از شورای گسترش علوم و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اقدام به برگزاری دکترای تخصصی فقه تربیتی (PHD) در چند دوره نمود و نیز دو فصلنامه «مطالعات فقه تربیتی» (بابت علمی — پژوهشی) را تا شماره ششم، منتشر کرده است.

3. Interdisciplinary.

ارائه شود و به صورت استقرایی آنچه از عمل تربیتی مورد توجه فقیهان شیعه بوده است، مطرح و بررسی شود و در بخش آینده فقه تربیتی وضع مطلوب مطالعات فقهی در عرصه تعلیم و تربیت، ترسیم شود.

گذشته فقه تربیتی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پرداختن به مسائل تعلیم و تربیتی در فقه شیعه بی‌سابقه نیست؛ هرچند در کنار ابواب متعدد فقه، باب التربیه شکل نگرفته،^۴ در لابه لای مباحث فقهی به صورت استطرادی به عمل تربیتی توجه شده است. این مسائل را می‌توان در قالب‌های متعدد عرضه نمود؛ اما چون رویکرد فرایندی به تربیت و توجه به فقه فرایند تربیت از نکات مغفول در ادبیات فقه تربیتی است، می‌کوشیم بر اساس روایاتی که اقدامات تربیتی را در سه هفت‌سال از سن متربی عرضه نموده‌اند،^۵ آن را به دست آوریم. این گزارش پیشینه‌شناسانه در سه مرحله بیان می‌شود:

الف) مسائل تربیتی مرحله اول (کودکی اول)؛ ب) مسائل تربیتی مرحله دوم (کودکی دوم)؛ ج) مسائل تربیتی مرحله سوم.

۱. مسائل تربیتی مرحله اول (کودکی اول)

گستره تجویزات فقهی درباره اقدامات تربیتی در کودکی اول را می‌توان به سه بخش اقدامات پیش‌زادی، پس‌زادی و اقدامات دوران حمل دسته‌بندی نمود.

به دلیل سهم مهم وراثت در تعلیم و تربیت کودکان و تکوین شخصیت سالم، فقه درباره دقت در انتخاب همسر توصیه‌هایی کرده است؛ برای مثال، مستحب است که همسر چنین ویژگی‌هایی را داشته باشد: از خانواده‌ای محترم و

۴. در الگوهای تبویب فقه مانند الگوی تبویب سلار (سلار دیلمی، المرا سم العلویه، ص ۲۸)، الگوی تبویب ابن براج (ابن براج، المهذب، ص ۱۸)، تبویب ابوصلاح حلبی (ابوصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۱۰۹) یا تبویب محقق حلی (محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱) و به تبع تبویب علامه حلی (حلی، تحریر الاحکام الشرعیه، ج ۱، ص ۴۱) و شهید اول (شهید اول، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۳) و نیز در تبویب‌های جدید (مانند محمد باقر صدر، الفتاوی الواضحه، ج ۱، ص ۴۶-۴۷) باب مستقلی برای موضوعات تربیتی دیده نشده است.

۵. مانند: موثقه یعقوب بن سالم: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْغُلَامُ يُلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ. (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷)؛ یا مرسله صدوق: قَالَ الصَّادِقُ ع: دَعِ ابْنَكَ يُلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مَمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ (محمد بن علی بن بابویه صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳).

دیندار (کریمه الاصل)، عقیف و پاکدامن، مهربان، صالح و درستکار، مطیع همسر و... باشد. همچنین ازدواج با زنی با چنین ویژگی‌هایی مکروه است: زنازاده، مشهور به زنا پیش از توبه، مجنون، احمق و... شوهر نیز مکروه است که بد اخلاق و فاسق باشد و از ویژگی‌های اخلاقی منفی دیگری داشته باشد.^۶

برای دوران حمل نیز احکامی شمرده شده است؛ مانند روایاتی که به خوراندن برخی غذاها به زن باردار و تأثیر آن بر جنین توصیه کرده‌اند و محدثانی مانند: حر عاملی، علامه مجلسی و محدث نوری برداشت فقهی خود را در بابی با عنوان‌هایی؛ مانند: تأثیر خوردن میوه به در زیارویی فرزند،^۷ تأثیر خوردن برنی (تمر احمر) بر حلیم شدن کودک،^۸ تأثیر خوردن هندوانه با نان در خوش‌رو و خوش اخلاق شدن فرزند،^۹ تأثیر نوشیدن شیر و لبنیات در افزایش عقل فرزند و شجاع شدن وی^{۱۰} و... آورده‌اند.

با تولد کودک، مستحباتی مانند غسل کودک، گفتن اذان و اقامه، برداشتن کام نوزاد با تربت امام حسین[×]، عقیقه کردن، انتخاب نام نیک و... بر عهده والدین قرار است.^{۱۱} گفتنی است در کتاب نکاح از کتاب‌های فقهی، در بخشی به نام احکام الاولاد، چنین مباحثی گردآوری می‌شود و در واقع شامل بخشی از نظام تربیتی اسلام در عرصه اصول و روش‌های تربیتی است. مباحثی مانند: الاستیلاء، إلحاق الأولاد بالآباء، آداب الولادة، تسمية الأولاد، العقیقة، الختان والخفض، حلق رأس المولود، الرضاع، الحضانه، تعليم الأولاد و تأديبهم، حقوق الوالدین والأحكام.^{۱۲}

دوران شیرخواری نیز اهمیت فراوانی دارد. تأکید بر برتری شیر مادر، به‌ویژه اولین شیر (آغوز)، دقت در اتمام دوران شیردهی (دو سال)، شرایط انتخاب دایه و... فتاوایی است که به عرصه تربیت کودک و تمهیدات تربیتی اشاره دارد؛

۶. ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۳۴-۳۸.

۷. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۴، ح ۱ و ص ۱۳۵ ح ۲.

۸. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۳۸.

۹. همو، ج ۶۲، ص ۲۹۹.

۱۰. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۶، باب ۳۴، من أبواب أحكام الأولاد، ح ۱ و ۲؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۷، ح ۱.

۱۱. ر.ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰.

۱۲. حرّ عاملی، هدایة الأئمة، ج ۷، باب ۱۱؛ ر.ک: عربضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۲۷۹؛ ابوصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۳۱۴؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۸۴.

برای نمونه، شیر دادن کمتر از دو سال کامل به نوزاد، ظلم به کودک تلقی می‌شود^{۱۳} و بنابر برخی آراء، دادن شیر آغوز به دلیل اهمیت بسیار آن در حفظ سلامتی و رشد نوزاد بر مادر واجب است.^{۱۴}

حکم فقهی فرزندپروری و میزان مسئولیت‌مندی شرعی والدین و مربیان از جمله پرسش‌هایی بنیادینی است که در قلمرو مسائل پس‌زادی مطرح می‌شود؛ به عبارت دیگر آیا تربیت فرزندان در فقه شیعه واجب است؟ مکلف به این تکلیف کیست؟ حکم روش‌های تربیت فرزند در کودکی اول چیست؟ و... اصطلاح حضانت در فقه، تقارن و تقارب بسیاری با مفهوم تربیت دارد. حضانت در فقه عبارت است از ولایت و سلطه بر تربیت طفل و امور متعلق به آن مانند نگهداری، خوابانیدن، نظافت، شستن لباس و...^{۱۵} برخی فقیهان، در تعریف حضانت، اقدامات تربیتی را لازم دانسته‌اند^{۱۶} و وظیفه حضانتی والدین را به تکالیف تربیتی پیوند داده‌اند. بنابراین همان‌گونه که حضانت فرزند واجب است، تعلیم و تربیت وی نیز واجب است. صاحب ریاض پس از نقل وجوب حضانت، چنین اظهار می‌کند: «این دیدگاه نیکوست؛ زیرا ترکش مستلزم تضييع ولد است؛ البته در این صورت، حضانت ولد واجب کفایی خواهد بود».^{۱۷}

وظیفه حضانتی- تربیتی حفظ و نگهداری از اطفال از حیث مکلف، سلسله مراتبی دارد و در صورت فقدان والدین، این وظیفه متوجه جد پدری و سپس بر اساس مراتب اولویتی ارث است. حتی در این نظام اولویتی، مادر بزرگ پدری بر مادر بزرگ مادری اولویت دارد.^{۱۸} همان‌گونه که اگر کودک غیرمميز باشد، اولویت تربیت با مادر است^{۱۹} و به عنوان قاعده‌ای کلی در تربیت کودک، چنین گفته شده: «مادر در حضانت و تربیت فرزند تا زمان شیرخوارگی شایسته‌تر از دیگران است و زمانی که زمان شیرخوارگی تمام شود، اولویت پدر در مورد فرزند پسر و اولویت مادر در مورد دختران

۱۳. طوسی، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی، ص ۵۰۳.

۱۴. شیخ بهایی، جامع عباسی و تکمیل آن، ص ۳۰۴.

۱۵. نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱ ص ۲۸۳ و نیز ر.ک: شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۴۰.

۱۶. شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۵۸؛ شهید ثانی، مسالک‌الافهام، ج ۸، ص ۴۲۱.

۱۷. حائری (سید علی)، ریاض المسائل الطبعه الحدیثه، ج ۱۲، ص ۱۶۲.

۱۸. حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۲.

۱۹. طوسی، المبسوط، ج ۶، ص ۳۹.

تا زمان هفت سالگی بیشتر است».^{۲۰} همچنین والدین برای ولایت در تعلیم و تربیت کودکان باید همان شرایطی را داشته باشند که حق حضانت ایجاب می‌کند؛ شرایطی مانند بلوغ، عقل، اسلام، توانمندی، عدم جنون و...^{۲۱}

دیگر مسائل تربیتی مربوط به مرحله اول (کودکی اول) که در فقه شیعه به آن توجه شده این نکته است که براساس برخی دیدگاه‌ها، اگر یابنده کودک مسلمان سرراهی، بخواهد حضانت (سرپرستی) و تربیت کودک را بر عهده بگیرد، باید مسلمان باشد؛ زیرا غیرمسلمان بودن مربی، آسیب‌های تربیتی فراوانی در تربیت دینی وی خواهد داشت؛^{۲۲} از سوی دیگر، بنابر برخی دیدگاه‌ها، حکومت (حاکم و فقیه جامع‌الشرایط) پس از خانواده، درباره تعلیم و تربیت کودکان بی‌سرپرست وظیفه‌ای الزامی دارد.^{۲۳}

تربیت خانوادگی و اولویت داشتن تربیت توسط والدین را می‌توان به عنوان سخت هسته نظریه تربیتی فقه مدنظر قرار داد. فقه اسلامی به‌طور مشخص، به روابط تربیتی درون خانواده توجه دارد و احکام ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته است؛ مثلاً این مسئله مطرح شده است که آیا می‌توان میان فرزندان فرق گذاشت؟ برخی به کراهت برتری دادن میان فرزندان فتوا دادند؛ مگر در حال بیماری یا اعسار^{۲۴} و شماری دیگر این کراهت را مطلق دانسته؛ این‌گونه که در همه موارد، تفاوت قائل شدن میان فرزندان مکروه است.^{۲۵} همچنین درباره معنای تساوی بین فرزندان و تفاوت آن با تساوی درباره ارث نیز مباحثی وجود دارد.^{۲۶}

از دیگر احکام تربیت خانوادگی در مرحله اول (کودکی اول)، مراقبت‌های جنسی و جداکردن رختخواب فرزندان (تفریق مضامع) است.^{۲۷} در همین راستا کودکان برای ورود به خلوتگاه والدین باید اجازه بگیرند (استیذان) و بر والدین

۲۰. امام خمینی، زبده الاحکام، ص ۲۰۹.

۲۱. ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۸۷-۲۹۱.

۲۲. فاضل مقداد، التقیح الرائع، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ر.ک: ابن‌فهد حلّی، المقتصر من شرح المختصر، ص ۳۵۳.

۲۳. ر.ک: سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۱۶، ص ۳۶۶؛ نراقی (ملااحمد)، عوائد الایام، ص ۵۳۶ و ۵۳۷.

۲۴. طوسی، النهایة، ص ۶۰۳؛ حلّی، مختلف الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۸.

۲۵. شهید ثانی، مسالك الأفهام، ج ۶، ص ۲۹ و ۳۰.

۲۶. طوسی، المبسوط، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲۷. حلّی، تذکره الفقهاء، ص ۵۷۵؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۴۴.

واجب است که این ادب را به آنان بیاموزند.^{۲۸} از سوی دیگر همبستری به دور از نگاه کودکان از وظایف مراقبتی والدین است که کارکردهای تربیتی بی‌شماری به همراه دارد.^{۲۹}

همچنین در فقه شیعه به نقش تربیتی و حساس مادر توجه خاصی شده است و گفته شده که اگر در میان اسرای جنگی، مادر وجود دارد، نباید میان او و کودکش جدایی انداخت.^{۳۰}

۲. مسائل مرحله دوم (کودکی دوم)

فقه شیعه به کودک دوم و آموزش و مدرسه (تربیت رسمی)^{۳۱} نیز توجه دارد و به صورت استطرادی به حوزه‌هایی مانند:
۱. حوزه تدریس و مسائل معلمی؛ ۲. حوزه تعلم و امور تحصیلی دانش‌آموزان؛ ۳. حوزه محتوای آموزش (مواد درسی)؛
۴. حوزه اقتصاد تعلیم و تربیت (اقتصاد آموزش و پرورش) توجه دارد. در ادامه برای هر یک شواهدی را برمی‌شماریم.

الف) حوزه تعلیم و تدریس

از جمله مسائل حوزه تدریس و احکام معلمی کردن، این مسئله است که اگر معلمی برای آموزش کودک معینی اجیر شود و کودک از دنیا برود، وضعیت قرارداد و حقوق وی چگونه خواهد شد؟^{۳۲} موضوع دیگری که درباره مسائل حرفه‌ای معلمان در فقه مطرح شده، ضمان معلم است. به این ترتیب که اگر دانش‌آموزی به دلیل تنبیه بدنی از دنیا برود، معلم ضامن است.^{۳۳} بحث ضمان معلم درباره آموزش شنا و ضمان معلم در صورت تلف شدن مهارت آموز مطرح شده است؟^{۳۴}

از دیگر مسائل مربوط به فقه‌التعلیم، احکام مربوط به حقوق و دستمزد آنان است؛ مثلاً، اجیر شدن برای تعلیم

۲۸. شهید ثانی، مسالک‌الافهام، ج ۷، ص ۴۹؛ محقق کرکی، جامع‌المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۵ و ۳۶.

۲۹. طوسی، النهایة، ص ۴۸۲؛ حلی، تذکرة الفقهاء، ص ۵۷۶.

۳۰. طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۵۳۱، مسئله ۱۸.

31. Formal Education.

۳۲. حلی، تذکرة الفقهاء، ص ۳۲۵.

۳۳. طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۶۶.

۳۴. طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۱۷۳؛ ابن‌برّاج، المذهب، ج ۲، ص ۴۹۴.

قرآن و شرط‌گذاری و تعیین دستمزد مکروه دانسته شده است.^{۳۵} از گزاره‌هایی که در کتاب نکاح، در موضوع آموزش مطرح شده، مهر قرارداد آموزش قرآن یا سوره‌ای از قرآن و شبیه آن در عقد نکاح است.^{۳۶} حتی به جزئیات و فروع این موضوع پرداخته شده، که اگر چنین ازدواجی سبب طلاق شود، تعلیم قرآن به چه میزانی باید انجام شود؟^{۳۷}

روش تدریس از دیگر مسائل حوزه تدریس و مسائل معلمی است و در این حوزه، مسئله عدالت آموزشی از مسائل مهم و مبتلا به مدارس به شمار می‌رود. در فقه شیعه تساوی در تعامل با دانش‌آموزان مستحب است و نباید میان شاگردان تفاوت قائل شد؛^{۳۸} البته در موارد آموزش خصوصی (معلم خصوصی) این کار جایز است.^{۳۹} از دیگر مسائل حوزه روش تدریس، به‌کارگیری تنبیه و تشویق است. فقه اسلامی با توجه به آسیب‌های این روش، روش رفق و مدارا با مربی و دانش‌آموز را ارجح می‌داند و حتی مدارا در مقام تأدیب و تنبیه دانش‌آموز را نیز توصیه کرده است؛^{۴۰} همچنین با ایجاد محدودیت در تنبیه بدنی، بیان می‌کند که تأدیب کودک نباید از ده ضربه فراتر رود.^{۴۱} هرچند در تعیین تعداد ضربه‌ها، اختلاف نظر وجود دارد.^{۴۲} برخی دیگر از فقها فرموده‌اند:

ظاهر این است که تأدیب کودک به نظر شخص تأدیب‌کننده و ولی طفل بستگی دارد، گاهی مصلحت اقتضای بیش از ده ضربه و گاهی اقتضای کمتر از آن را دارد، نباید از آنچه مصلحت اقتضا می‌کند و نیز از مقدار تعزیر شخص بالغ، تجاوز کرد.^{۴۳}

در همین مجال، به این مسئله توجه شده است که اگر تنبیه، مرگ کودک را در پی داشته باشد، وضعیت ضمان معلم و

۳۵. حلی، تذکره الفقهاء، ص ۳۰۲.

۳۶. ابن‌براج، المذهب، ج ۲، ص ۱۹۸؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳۷. حلی، مختلف الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۲.

۳۸. محقق حلی، النهایة و نکتها، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳۹. حلی، مختلف الشیعة، ج ۵، ص ۲۱؛ حلی، منتهی‌المطلب، ج ۱۵، ص ۴۳۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۶۹.

۴۰. سبزواری، مذهب الأحکام، ج ۲۸، ص ۳۷.

۴۱. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۵۵. این مطلب در شرح شرایع هم آمده است: فاضل مقداد، التتبیح الرائع، ج ۴، ص ۳۶۵؛ ابن‌فهد

حلی، المذهب البارع، ج ۵، ص ۷۶؛ شهید ثانی، مسالك الأفهام، ج ۱۴، ص ۴۵۴.

۴۲. گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۳، ص ۲۶۷.

۴۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷.

دیه کودک به چگونه‌ای است.^{۴۴}

ب) حوزه تعلم و امور تحصیلی

برای تبیین شواهد پرداختن فقه به حوزه تعلم و امور تحصیلی باید متذکر شد که تعلم (یادگیری) و تربی (پذیرش تربیت) از افعال متریبان است. وقتی که رفتارهای اختیاری متریبان به قلمرو تکلیف برسد، احکامی دارد و افزون بر وظایف گوناگون در عرصه‌های عبادی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... وظایفی نیز نسبت به یادگیری و علم‌آموزی دارند.

ترغیب به دانش‌اندوزی به گونه‌ای است که تعلیم و تعلم هنگام اعتکاف از مستحبات عمل عبادی اعتکاف است.^{۴۵} همچنین در فقه شیعه، اذن والدین برای سفر تحصیلی فرزندان، معمولاً لابه‌لای مباحث کتاب الجهاد مطرح شده،^{۴۶} و با توجه به اهمیت روابط تربیتی میان ولد و والد در تحصیل دانش، به این نکته توجه شده است که خروج برای طلب علم باید با اجازه والدین باشد؛ هرچند اگر فرزند منع شده، مخالفت والدین در این زمینه، حرام نیست.^{۴۷}

ج) حوزه محتوای آموزش (مواد درسی)

از دیگر محورهای مربوط به مسائل کودکی دوم که از ارکان تربیت رسمی نیز محسوب می‌شود، حوزه محتوای آموزش و تربیت و مواد درسی است که در فقه شیعه به آن توجه شده است.

تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی و تربیت عبادی، یکی از محتوای آموزشی و تربیتی دارای اولویت، به‌ویژه در فقه شیعه مورد توجه بوده، و احکامش تبیین شده است. از نظر فقه شیعه حفاظت فرزند از آنچه باعث فساد اخلاق و عقیده‌اش می‌شود، واجب است^{۴۸} و باید از فروافتادن فرزند به ورطه زیان، فساد و گناه جلوگیری، و وی را از گناهان

۴۴. ابن‌برّاج، جواهر الفقه، ص ۱۳۴؛ طوسی، المبسوط، ج ۳، ص ۲۴۴.

۴۵. حلی، منتهی المطلب، ج ۹، ص ۵۳۱.

۴۶. شهید ثانی، مسالک‌الافهام، ج ۳، ص ۱۴؛ طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۵.

۴۷. طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۶.

۴۸. امام‌خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الحجر، ج ۲، ص ۱۴، مسئله ۱۱.

منع کرد^{۴۹} و به اخلاق و آداب نیکو عادت داد. ^{۵۰} همچنین از دیدگاه برخی فقیهان شیعه، بر والدین واجب است از سنین هفت و هشت سالگی، نماز و روزه را به فرزندانشان بیاموزند^{۵۱} و نیز بر والدین واجب است که از هشت سالگی طهارت را به کودک آموزش، و وی را به حضور در جماعت‌ها عادت دهند.^{۵۲} همچنین باید کودکان را پیش از بلوغ به روزه‌گرفتن عادت داد؛^{۵۳} همان‌گونه که تمرین کودک به نماز خواندن از سن شش سالگی مستحب است.^{۵۴} شهید ثانی به صراحت می‌گوید: «منظور از تمرین نماز، عادت‌دهی و عادت‌سازی پیش از بلوغ است».^{۵۵} اهمیت عادت به نماز تا به حدی است که بر مریبان و والدین مستحب است که کودکانشان را به خواندن نمازهای قضا نیز تمرین دهند.^{۵۶} خلاصه آن‌که آموزش احکام شرعی و همه وظایف دینی، اعم از واجبات و محرمات، واجب است و این حکم می‌تواند به صورت آموزش مباحثی امثال شود یا به صورت آموزش تسبیبی و اجیر کردن و سپردن این آموزش‌ها به معلم.^{۵۷} همان‌طور که گفته شد، در فقه شیعه، فرایند تربیت یک سویه و به اصطلاح بالا به پایین^{۵۸} نیست و برای اراده و اختیار مربی و دانش‌آموز نیز سهمی قائل است و بر این اساس در کنار مجموعه حقوق و تکالیفی که هر مکلف داراست، تکالیفی در حوزه یادگیری و تعلم دارد.

به باور برخی فقیهان شیعه، اصل تعلم و دانش‌اندوزی بدون در نظر گرفتن نوع و محتوای دانش، مستحب است؛ مثلاً مرحوم نجفی (صاحب جواهر) براساس این دیدگاه چنین می‌نگارد: «حُسن و بلکه وجوب کفایی یادگیری و تعلیم و تعلم تمامی علوم، از امورات مسلمة است»؛^{۵۹} هر چند از نظر ایشان، علم‌آموزی رجحان شرعی و مطلوبیت ذاتی دارد،

۴۹. طباطبائی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، مسئله ۳۶، ص ۷۴۲؛ خوئی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۳، ص ۳۱۲، مسئله ۳۳.

۵۰. گلپایگانی، الدر المنضود، ج ۲، ص ۲۸۲.

۵۱. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۳۰۶.

۵۲. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۳۳۵.

۵۳. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۸۰.

۵۴. علامه حلی، قواعد الأحکام، ج ۱، ص ۳۱۳.

۵۵. شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۱، ص ۵۷۰.

۵۶. سبزواری، مهذب الأحکام، ج ۷، ص ۳۲۶.

۵۷. خوئی، صراط النجاة، ج ۳، ص ۲۶۴.

58. Top & Down.

۵۹. نجفی، مجمع الرسائل، ص ۱۱ و ۱۲.

آموختن علوم دینی ارزش بیشتری دارد.^{۶۰} در مقابل، شماری دیگر از فقیهان، بر این باورند که همه ادله ترغیب به علم‌آموزی، ناظر به علوم دینی و معارف الهی است و اصل دانش‌اندوزی مباح است.^{۶۱}

دستیابی به وظایف شرعی و یادگیری آنها (از دو راه اجتهاد و تقلید) از مهم‌ترین تکالیف تعلیمی و تدریسی که متوجه متریان است. اجتهاد، سطحی تخصصی و کارشناسانه از تحصیلات علوم شرعی و دستیابی به وظایف دینی (خود و دیگران) است و تقلید نیز مستلزم یادگیری و آموختن احکام شرعی از راه فتاوی مرجع تقلید است. بحث‌های مفصلی در ابتدای کتاب‌های فقهی، درباره اجتهاد و تقلید و شرایط آن مطرح شده است.^{۶۲} همچنین به دلیل آن که فقه برنامه عملی و دربردارنده تکالیف عملی مکلفان است، همه انسان‌های مکلف، موظف‌اند تکالیف شرعی و نیز تکالیف مبتلا به خود را بشناسند.^{۶۳} البته وجوب یادگیری احکام مبتلا به، به شکل قاعده‌ای عمومی در ابتدای فقه بیان می‌شود؛ ولی گاه در مباحث گوناگون بر مصادیق^{۶۴} یا به صورت جزئی‌تر بر برخی اجزای عبادات، دوباره تأکید می‌شود؛ مانند آموختن قرائت درست نماز،^{۶۵} تلفظ تکبیرة الاحرام،^{۶۶} تلفظ سلام نماز،^{۶۷} همچنین یادگیری اذان،^{۶۸} آموختن قبله،^{۶۹} قرائت صحیح تلبیه در حج^{۷۰} و یادگیری قرآن.^{۷۱} از موارد دیگری که یادگیری احکام و معارف دینی ترغیب شده، بحث امر به معروف و نهی از منکر است که باید فعل معروف، شرایط امر به معروف و... را شناخت.^{۷۲}

۶۰. همو.

۶۱. ر.ک: امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۵۹۰؛ خوئی، صراط النجاه، ج ۲، ص ۴۵۲، سؤال ۱۴۲۰.

۶۲. خوئی، التتقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶.

۶۳. کاشف الغطاء (علی بن محمد)، النور الساطع فی الفقه النافع، ج ۱، ص ۴۳؛ طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۲۱، مسئله ۱۸؛ امام خمینی، کتاب البیع، ج ۳، ص ۵۸۷.

۶۴. حکیم (سید محسن)، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۹، مسئله ۱۷.

۶۵. بحرانی (یوسف بن احمد)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۸، ص ۱۰۹؛ شهید اول، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۳، ص ۳۰۵.

۶۶. نجفی، مجمع الرسائل، ج ۱، ص ۲۴۳.

۶۷. طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۵، مسئله ۳.

۶۸. حکیم (سید محسن)، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۹۶، مسئله ۷.

۶۹. حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۳، ص ۲۴.

۷۰. بهجت، جامع المسائل، ج ۲، ص ۲۲۱.

۷۱. سبزواری، مهذب الأحکام، ج ۷، ص ۱۲۸، تمه کتاب الصلاة، فصل فی قرائت القرآن، مسئله ۱ و ۲.

۷۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۶۷، مسئله ۸.

دستور فقه درباره آشنایی با دین و معارف آن، فقط به وجوب یادگیری عقاید دینی ضروری و احکام مبتلابه محدود نمی شود؛ بلکه مطالعه و آشنایی بیشتر از این سطح را در نظر دارد و اسلام‌شناسی را در سطح فراتر از نیازهای شخصی (اعتقادات و احکام مبتلابه) مستحب می‌داند.^{۷۳} ظرافت و اهمیت احکام اقتصادی اسلام، فقها را بر آن داشت تا به پیروی از اهتمام پیشوایان دین در آموزش حلال و حرام مسائل اقتصادی و تجاری، حکم فقهی یادگیری این‌گونه احکام را به شکل جداگانه در کتاب‌هایشان مطرح کنند.^{۷۴} از جمله موضوعات اقتصادی مؤکد، یادگیری مسائل مبتلابه تجارت است.^{۷۵}

فقیهان به ارزش‌گذاری میان دانش‌ها و تعیین حکم یادگیری برخی علوم و معارف توجه کرده‌اند؛ مثلاً در کتاب مکاسب، به تناسب موضوع اکتساب حرام، به برخی علوم و مهارت‌های حرام و حکم تعلیم و تعلم آنها، مانند تعلم سحر، شعبده، کهان، قیافه، نجوم، غنا و... آمده است و کسب درآمد از راه آموزش علوم دیگر مانند حکمت، آداب و شعر جایز دانسته شده، و درباره کسب درآمد از راه آموزش قرآن یا علوم دینی، بحث‌های مفصلی در حواشی و شروح کتاب مکاسب آمده است. همچنین اندیشه در دانش نحو، مکروه و یادگیری علم انساب و وقایع تاریخی جایز است؛^{۷۶} همان‌گونه که یادگیری برخی مهارت‌ها مانند شنا و تیراندازی مستحب است.^{۷۷}

د) حوزه اقتصاد تعلیم و تربیت

مسئله اقتصاد آموزش و پرورش و بحث مدرسه‌سازی و وقف مدارس در جایگاه یکی از امکانات آموزشی، در کتاب الوقف، از کتاب‌های فقهی شیعه از قدیم مطرح بوده است؛^{۷۸} به گونه‌ای که حتی مصرف زکات را برای مدرسه‌سازی

۷۳. کاشف الغطاء (علی بن محمد)، النور الساطع فی الفقه النافع، ج ۱، ص ۶۳۳.

۷۴. انصاری، مکاسب، ج ۲، ص ۸۱، تنبیهای البیع؛ سبزواری، مهذب الأحکام، ج ۱۶، ص ۱۴، مسئله ۴.

۷۵. همو.

۷۶. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۶۹.

۷۷. همو، ج ۲۲، ص ۴۶۶.

۷۸. حلی، تذکره الفقهاء، ص ۴۳۵؛ شهید ثانی، رسائل الشهد الثانی، ج ۱، ص ۶۷۸.

در کتاب الزکاة) جایز دانسته‌اند.^{۷۹} توجه به مسائل اقتصادی و معیشتی دانش‌پژوهان، نشان‌دهنده دغدغه و اهتمام فقها به مقوله تعلیم و تربیت است؛ به‌ویژه تعلیم و تربیتی که باعث قوام دین و جامعه به شکل واجب عینی و کفایی است.^{۸۰} به‌گونه‌ای که تأمین معاش دانش‌پژوهان و کمک‌هزینه تحصیلی، از دیگر موارد مصرف زکات است.^{۸۱}

۳. مسائل تربیتی مرحله سوم

به تناسب رشد متربی و نزدیک شدن وی برای پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی، ضرورت تربیت حرفه‌ای و شغلی متربی دوچندان می‌شود.

فقه شیعه به تربیت حرفه‌ای و شغلی نیز توجه دارد؛^{۸۲} به‌گونه‌ای که جایز است والدین، کودک را برای یادگیری مهارت‌های لازم زندگی و اشتغال آماده کنند؛^{۸۳} مثلاً علما به استحباب آموزش ریسندگی و بافندگی برای دختران فتوا داده‌اند.^{۸۴} همچنین تعلیم احکام مبتلابه تجارت و خرید و فروش، واجب دانسته شده است.

۴. درس‌هایی از گذشته برای آینده

مطالعات تاریخی از دیدگاهی به مطالعات توصیفی و تحلیلی تقسیم می‌شود و روشن است که مرور گذشته فقه تربیتی بدون تحلیل و بازخوانی و نیز بدون پیگیری آسیب‌ها و خلأها در راستای دستور قرآن کریم به مطالعه تاریخ و عبرت از آن^{۸۵} نخواهد بود. مختصات فقه تربیتی در تراث فقهی شیعه که باید بازنگری، تکمیل و تقویت شود، به قرار زیر است:

یک: تعداد و قلمرو مسائل تربیتی منعکس شده در تراث فقهی شیعه، با کمیت و قلمرو مسائل تربیتی در عصرهای

۷۹. فیض کاشانی، النخبة، ص ۱۳۳؛ شیخ بهایی، جامع عباسی و تکمیل آن، ج ۱، ص ۱۰۰.
۸۰. بحرانی (یوسف بن احمد)، الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۱۵؛ خوئی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج ۵، ص ۴۷۹.
۸۱. حکیم (سید محسن)، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۳۲، مسئله ۵.
۸۲. محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۵، ص ۱۹۲.
۸۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴، مسئله ۱۱؛ سبزواری، مهذب الأحکام، ج ۲۱، ص ۱۳۰، مسئله ۱۱.
۸۴. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۶۶.
۸۵. مانند: انعام/۱۱؛ غافر/۳۲.

خود متناسب نبوده (چه رسد به کمیت و قلمرو مسائل تعلیم و تربیتی در قرن بیست و یکم)؛

دو: حجم مسائل آموزشی و پرورشی مطرح شده در تراث فقهی در طول قرون به صورت تصاعدی افزایش نیافت

که این ریشه در اختصاص نداشتن بای مستقل به مسائل تربیت (باب التریبه) دارد؛

سه: بساطت مسائل تربیتی و مواجهه بسیط فقه با آن، به دلیل بساطت فرایند و سازمان آموزش در عصور مختلف

بوده است. هرچند نظام آموزش و پرورش از قرن سیزدهم شمسی در ایران^{۸۶} به صورت مدرن درآمد و مدارس

جدید با نظامات جدید ظهور کرد؛ اما انتظار می رفت که دست کم در قرن اخیر شاهد مواجهه جدی و ویژه

فقه با مسائل آموزشی و تربیتی باشیم؛

چهار: غلبه نگرش فردی و عدم نگرش جمعی به تعلیم و تربیت که فرایندی اجتماعی و در تعامل چند انسان

شکل می گیرد^{۸۷} از دیگر مختصات گذشته فقه تربیتی است که باید تکمیل و بازنگری شود؛

پنج: استطرادی بودن طرح مسائل تربیتی در تراث فقهی موجب شد که فقه، رویکردی منسجم و نظام وار به تربیت

نداشته باشد و به تبع، احکام مستنبط نیز ویژگی نظام وارگی نداشته باشند؛

شش: نداشتن رویکرد حکومتی به تعلیم و تربیت به اقتضای موقعیت جامعه آن روز بود یا در نداشتن نفوذ

اجتماعی و سیاسی گسترده فقه در جوامع. دست کم در ایران و عراق (و کشورهای موطن فقه) حتی در مواقعی

که شیعه به نهاد قدرت و حاکمیت نزدیک شده، ریشه داشته است.

آینده فقه تربیتی

از دیرباز به نگرش به آینده و مطالعه آن توجه شده است؛ اما در چند دهه اخیر، صورت تخصصی، آکادمیک و روشمند

یافته است. به اختصار باید گفت آینده شناسی با هدف شناسایی، ارزیابی و طراحی آینده های ممکن و درنهایت،

۸۶. نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون آغاز شد. سنگ بنای این مدرسه با همت امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ ق

(۱۲۲۵ ش) در تهران نهاده شد و در سال ۱۲۶۸ ق (۱۸۵۱ م) گشایش یافت. (امان الله صفوی، تاریخ آموزش و پرورش ایران، ص ۵۱)

۸۷. مبتنی بر تعریف تربیت به: زمینه سازی برای ایجاد تغییرات مطلوب از انسانی در انسانی دیگر.

آینده‌سازی انجام می‌گیرد.

از سوی دیگر برای مدیریت دانش نمی‌توان نقش برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌پژوهی را نادیده انگاشت؛ همان گونه که در سند نقشه جامع علمی کشور در تعریف این نقشه، بر عنصر آینده‌نگری تأکید شده^{۸۸} و برای وصول به اهداف علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ش، از گسترش فقه تخصصی از اولویت‌ها یاد شده است.^{۸۹} به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌شناسی، آینده‌اندیشی یا آینده‌پژوهی^{۹۰} و تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان و تلاش برای سیاست‌گذاری و تهیه نقشه علم فقه تربیتی با هدف آینده‌نگاری^{۹۱} برای تفقه تربیتی، نیازمند مطالعات عمیق‌تر و جدی‌تری است و مجال‌واسعی را می‌طلبد؛ اما مبتنی بر نکاتی که از گذشته فقه تربیتی به دست آمد، برای فتح باب، مطالبی را درباره آینده فقه تربیتی بیان می‌کنیم.

۱. برخی از رویکردهای جدید و مهم

به نظر می‌رسد تأمل درباره رویکردهای زیر و اتخاذ آن در تفقه تربیتی، برای ترسیم آینده‌ای روشن‌تر از فقه تربیتی ضروری است:

۱. تربیت و آموزش و پرورش، هم ماهیتی اجتماعی دارد، و هم در وجه غالب آن رویکرد دولتی و حکومتی. براین اساس فقه تربیتی باید به‌مثابه فقهی اجتماعی و حکومتی درک شود؛
۲. همچنین نباید از وجه سازمانی آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت غفلت کرد و لازم است فقه تربیتی به آموزش و پرورش به‌مثابه سازمان، نظر افکند و مناسبات انسانی، اخلاقی، بینافردی و حرفه‌ای آن را از منظر فقه بررسی نماید. روشن است که این وجه از فقه تربیتی به فقه مدیریت و سازمان‌ها نزدیک خواهد شد و افزون بر پیشبرد مسائل خود، به گسترش آن نیز کمک خواهد نمود؛

۸۸. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند نقشه جامع علمی کشور، ص ۷.

۸۹. همو، ص ۱۹.

90. Futurology /Futures Study / Futures Research.

91. Foresight.

۳. ضروری است در تفقه تربیتی نگرش جامع و نظام‌وار به تربیت داشت و همه ابعاد و عرصه‌های تربیت و تجویزات تربیتی اسلام مدنظر قرار گیرد؛

۴. افزون بر این مطلب، توجه به حیثیت فرایندی تربیت از دیگر رویکردهای مهم است که می‌تواند نتایج مبارکی را در نگرش جامع به تربیت به ارمغان آورد. براین اساس، فقه فرایند تربیتی نباید در لابه‌لای استنباط احکام مسائل ریز و درشت تربیتی، به فراموشی سپرده شود؛

۵. با توجه به افق‌های جهانی، بین‌المللی و تمدنی دین مبین اسلام، فقه تربیتی نمی‌تواند رویکردی تمدنی و جهانی نداشته باشد؛

۶. لزوم توجه به عینیت^{۹۲} تربیتی و تفقه بر اساس رویکرد نیازسنجی و مسئله‌یابی از دیگر رویکردهای مهم است. فقه تربیتی نمی‌تواند و نباید بی‌توجه به معضلات تربیتی معاصر و چالش‌هایی که آموزش و پرورش با آن مواجه است، به تفقه پردازد. (مانند کاهش سن اعتیاد در مدارس، کاهش سن ارتباط جنسی، انگیزه تحصیلی و...) و لازم است مطالعات فقه تربیتی به‌صورت هم‌پا و هم‌افزا، مطالعات تربیتی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی را برای صید موضوع و شناسایی موضوعات به‌صورت همدلانه به خدمت بگیرد. اساساً فقه تربیتی در عصر حاضر نمی‌تواند و نباید فقط به حجیت اکتفا نماید و پیچیدگی‌های اجتماعی و تربیتی در عصر حاضر مقتضی است تا تفقه تربیتی نگاهی به عینیت و کارآمدی در تعلیم و تربیت نیز داشته باشد؛

۷. ماهیت تجویزی فقه تربیتی، بستر خوبی برای ورود فقه به عرصه سیاست‌گذاری تربیتی و فرهنگی و حضور در سندنگاری تربیتی و فرهنگی (به‌ویژه اسناد بالادستی) است.

۲. شماری از قلمروهای تربیتی جدید و مهم

دنیای جدید دنیای انفجار جمعیت، انفجار ارتباطات و انفجار اطلاعات است و پدیده‌ها و کنش‌های تربیتی خاص

92. Objectivity.

خود را به دنبال دارد که شایسته است فقه تربیتی آینده‌نگر، خود را برای آن مهیا نماید.

این نوشتار، قلمروها و عرصه‌های زیر را جزء قلمروهای مهم و جدیدی می‌داند که باید در دستور کار فقه تربیتی

قرار گیرد:

الف) توجه بیشتر به عرصه تربیت دیجیتال و آموزش سواد رسانه‌ای؛

ب) ورود به عرصه آموزش چندفرهنگی، آموزش صلح، تربیت برای جامعه جهانی؛

ج) توجه و تمرکز بیشتر بر تربیت عقلانی و آموزش تفکر و تفکر انتقادی؛

د) ورود تخصصی به آموزش (تربیت) جنسی و تربیت جنسیتی و مطالعه تخصصی تربیت دخترانه و تربیت

پسرانه؛

ه) نگرش ویژه و تخصصی به فقه مهدکودک؛

و) غافل نبودن از فقه تربیت معلم، فقه معلمی (فقه التعلیم) و آموزش بزرگسالان؛

ز) لزوم توجه بیشتر به تربیت غیررسمی^{۹۳} و مقوله تربیت پنهان در فقه تربیتی.

۳. گسترش مطالعات پیرامونی فقه تربیتی

فقه تربیتی باید با مطالعات پیشینی و پسینی و نیز مطالعات درجه دوم همراه باشد که به مواردی اشاره می‌شود:

یک: لزوم همپایی تولید روش‌شناسی فقه تربیتی (اصول فقه تربیتی) با تولید فقه تربیتی؛

دو: لزوم مطالعات فلسفه فقه تربیتی^{۹۴} برای تنقیح و تبیین مبادی و مبانی و آینده‌نگری و سیاست‌گذاری تولید علم

در فقه تربیتی؛

سه: لزوم مطالعات تطبیقی و مقارن در سه سطح درون‌مذهبی، بینامذهبی و بینادینی در زمینه تجویزات تربیتی

دیگر مذاهب و ادیان، با رویکرد هم‌گرایی مذهبی، اسلامی و توحیدی برای تقابل با جریان تربیت سکولار و

93. Informal education.

۹۴. ر.ک: موسوی، درآمدی بر فلسفه فقه تربیتی.

تربیت لیبرال و تربیت الحادی؛

چهار: طراحی راهبردهایی برای تولید و توسعه فقه تربیتی از تولید (تفقه و افتاء تربیتی) تا اجرا (امثال و اجرایی سازی) و تا مشاهده و بازخورد و اصلاح و تغییر و تکمیل فتاوا و تجویزات تربیتی متناسب با پیچیدگی‌ها، تغییرات و تبدلات موضوعات.

۴. دیده‌بانی و پایش کنش‌ها، فرایندها و پدیده‌های تربیتی محتمل

فقه تربیتی نمی‌تواند به مسائل تخیلی و بدون موضوع پردازد و باید برای پرکردن شکاف نظر و عمل بکوشد و افزون بر تفقه درباره موضوعات و رویدادهای آموزشی و تربیتی موجود در عصر حاضر، به صورت پیش‌دستانه موضوعات تربیتی مستحدث در آینده را دیده‌بانی نماید و آنها را به محک فقه گذارد.

البته آینده‌شناسی کار فقه و فقه تربیتی نیست؛ اما فقیه نمی‌تواند به موضوعات محتمل الوقوع و استنباط احکام آن، بی‌توجه باشد. در این صورت است که تفقه می‌تواند مواجهه‌ای فعال و پیشینی (و نه منفعل و پسینی) با موضوعات و مسائل داشته باشد.

۵. جای خالی فقه تربیتی در سیاست‌گذاری تربیتی

در سطور پیش گفتیم که ماهیت تجویزی فقه تربیتی، از مزیت‌های آن برای کمک به تدوین اسناد راهبردی و خط‌مشی‌های کلان آموزشی و تربیتی در سطح ملی است.

از سوی دیگر شاهد تصویب اسناد بالادستی در حوزه تعلیم و تربیت مانند سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، سند برنامه درسی ملی، سند دانشگاه اسلامی، نقشه جامع علمی کشور و... هستیم. هرچند این اسناد ضد فقه تربیتی نیستند، باید حضور فقه تربیتی در سندنگاری‌ها در کنار فلسفه تربیتی، پررنگ‌تر و روشمندتر باشد.

۶. همدوشی با اخلاق و حقوق تعلیم و تربیت

با پیچیده شدن روابط انسانی در دنیای مدرن و رشد و گسترده شدن علوم انسانی و تأسیس میان‌رشته‌ها، دانش‌هایی چون

اخلاق و حقوق نیز به مقوله تعلیم و تربیت نظر افکندند. کاربردی شدن اخلاق را با نام اخلاق کاربردی می‌شناسانند. اخلاق آموزش و پرورش یا اخلاق تعلیم، اخلاق تدریس و اخلاق حرفه‌ای معلم می‌کوشد تا با برجسته‌سازی اخلاق اجتماعی از لاک اخلاق فردی خارج شود و به مناسبات اخلاقی میان انسان‌ها در اجتماعات آموزشی و پرورشی، قواعدی برای تصمیم‌گیری و حل تعارضات (تراحات) اخلاقی پیشنهاد نماید.

اخلاق آموزش و پرورش از مباحثی مانند این مباحث بحث می‌نماید: اتوریته در آموزش و پرورش (تعارض اقتدار مشروع آموزگاران و تعهد به استقلال و آزادی فکری دانش‌آموزان)، تعارض آرمان آگاهی‌بخشی نهاد آموزش و پرورش با مسئولیت در قبال جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، اخلاق تدریس، الزامات اخلاقی برنامه‌ریزی آموزشی و تدوین متون درسی، منشور اخلاق آموزش و پرورش.^{۹۵}

همان‌طور که در آن‌سو، دانش حقوق نیز کم‌کم می‌کوشد مطالعات حقوق تربیتی را گسترده‌تر نماید. به عبارت دیگر چندی است که رقابت اخلاق با فقه از یک سو و رقابت حقوق با فقه از سوی دیگر برای اداره جامعه و تنظیم روابط انسانی در دنیای مدرن فزونی یافته است و فقه‌ستیزان به شیوه‌های گوناگون^{۹۶} می‌کوشد نقش فقه را در جامعه‌سازی کم نماید و از فقه حداقلی سخن بگویند. ادبیات تولید شده در اخلاق و حقوق تعلیم و تربیت ضمن حفظ مرزهای اخلاق، فقه و حقوق می‌تواند الگویی برای گسترش موضوعات و مسائل فقه تعلیم و تربیت باشد. (البته در نگرشی رادیکال‌تر می‌توان این دو عرصه را رقیب فقه تربیتی پنداشت).

نتیجه‌گیری

مسئله این نوشتار عبارت بود از: گذشته‌شناسی فقه تربیتی در تراث فقه شیعه و آینده‌پژوهی تفقه تربیتی.

۹۵. جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، ص ۷۵.
۹۶. از تلاش برای یافتن اقوال شاذ اخلاق‌ستیز در لابه‌لای متون فقهی تا ناکارآمد دانستن فقه در تقنین و سیاست‌گذاری فرهنگی و تربیتی و تا القای ناستوار پارادایم فقه در احیا و دفاع از حقوق بشر.

پس از بازخوانی تجویزات تربیتی در فقه شیعه و تحلیل این داده‌های تاریخی، ضمن پاسداشت زحمات سلف صالح در استواری درخت تناور فقه، کاستی‌هایی در رویکرد فقهی به تربیت ملاحظه شد؛ مانند تعداد اندک مسائل تربیتی در فقه؛ رشد نیافتن تصاعدی مسائل تربیتی در فقه در طول قرون؛ بساطت مواجهه فقه با مسائل تربیتی؛ غلبه نگرش فردی به تربیت؛ نداشتن رویکرد نظام‌وار به تربیت؛ نداشتن رویکرد حکومتی به تعلیم و تربیت.

این نوشتار در گام دوم مبتنی بر گذشته‌شناسی فقه تربیتی به آینده‌شناسی آن اقدام نمود و به‌مثابه قدمی آغازین برخی از رویکردها و قلمروهای تربیتی جدید و مهم را برای طراحی فقه تولید علم فقه تربیتی پیشنهاد نمود؛ مانند اتخاذ رویکرد اجتماعی، حکومتی و سازمانی به تربیت؛ نظرداشتن نگاه نظام‌وار و فرایندنگر به تربیت؛ اشراف نگاه تمدنی و جهانی در تفقه تربیتی؛ اتخاذ رویکرد نیازسنج و مسئله‌یاب در فقاهت تربیتی؛ ورود به سیاست‌گذاری تربیتی؛ توجه بیشتر به عرصه‌هایی چون تربیت عقلانی، تربیت دیجیتال، آموزش چندفرهنگی، آموزش جنسی و تربیت جنسیتی؛ نگرش ویژه به فقه مهدکودک، فقه معلمی و فقه تربیت معلم؛ گسترش مطالعات پیرامونی فقه تربیتی.

منابع

١. ابن براج قاضي، عبدالعزيز، *جواهر الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١١ق.
٢. _____، *المهذب*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٦ق.
٣. ابن فهد حلي، جمال الدين احمد بن محمد اسدي، *المقتصر من شرح المختصر*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٠ق.
٤. _____، جمال الدين، احمد بن محمد اسدي، *المهذب البارع*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٧ق.
٥. امام خميني، روح الله موسوي، *تحرير الوسيله*، قم، مؤسسه دارالعلم، بي تا.
٦. _____، *زبد الاحكام*، تهران، سازمان تبليغات، ١٤٠٤ق.
٧. _____، *كتاب البيع*، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، بي تا.
٨. انصاري، مرتضى، *المكاسب المحرمة*، قم، دارالذخائر، ١٤١١ق.
٩. بحراني، يوسف بن احمد بن ابراهيم، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٥ق.
١٠. بهجت، محمدتقي، *جامع المسائل*، قم، بي تا، بي تا.
١١. جمعي از نويسندگان، *اخلاق كاربردي*، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي، ١٣٨٧ش.
١٢. حائري، سيدعلي، *رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل* (الطبعة الحديثة)، قم، مؤسسه آل البيت^ع، ١٤١٨ق.
١٣. حرّ عاملي، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت^ع، ١٤٠٩ق.
١٤. _____، *هداية الأمة إلى أحكام الأئمة*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.
١٥. حكيم، سيدمحسن، *منهاج الصالحين*، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٠ق.
١٦. حلي، ابوصلاح، تقي الدين بن نجم الدين، *الكافي في الفقه*، اصفهان، بي تا، ١٤٠٣ق.
١٧. حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، *تحرير الأحكام الشرعية*، بي تا. نرم افزار جامع فقه اهل بيت نسخه ١/٢.
١٨. _____، *تذكرة الفقهاء*، بي تا. نرم افزار جامع فقه اهل بيت نسخه ١/٢.
١٩. _____، *قواعد الأحكام*، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٣ق.
٢٠. _____، *مختلف الشيعة*، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٣ق.
٢١. _____، *منتهى المطلب*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.
٢٢. خوئي، سيدابوالقاسم موسوي، *التنقيح في شرح العروة الوثقى*، بي تا، نرم افزار جامع فقه اهل بيت، نسخه ١/٢.

٢٣. _____، *صراط النجاة*، حاشية نويس جواد تبریزی، قم، مكتب نشر المنتخب، ١٤١٦ق.
٢٤. _____، *مصباح الفقاهة (المكاسب)*، بی جا، بی نا، بی تا، نرم افزار فقه اهل بیت، نسخه ١/٢.
٢٥. _____، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ١٤١٧ق.
٢٦. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مهذب الأحكام*، قم، مكتب آية الله السيد السبزواری، ١٤١٣ق.
٢٧. سلار دیلمی، حمزة بن عبد العزیز، *المراسم العلویة و الأحكام النبویة فی الفقه الإمامی*، قم، منشورات الحرمین، ١٤٠٤ق
٢٨. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، *ذکر الشیعة*، بی تا، نرم افزار جامع فقه، نسخه ١/٢.
٢٩. _____، *الروضه البهیة*، قم، کتاب فروشی داوری، ١٤١٠ق.
٣٠. _____، *رسائل الشهید الثانی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤٢١ق.
٣١. _____، *مسالك الأفهام*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیه، ١٤١٣ق.
٣٢. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، *القواعد و الفوائد*، چاپ اول قم، کتاب فروشی مفید
٣٣. شیخ بهایی، بهاء الدین، *جامع عباسی و تکمیل آن*، تهران، منشورات الفراهانی، بی تا.
٣٤. صدر، سید محمد باقر، *الفتاوی الواضحه*، نجف، مطبعة الآداب، ١٣٩٦ق.
٣٥. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٣ق.
٣٦. صفوی، امان الله، *تاریخ آموزش و پرورش ایران*، تهران، رشد، چاپ اول، ١٣٨٣ش.
٣٧. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، *العروة الوثقی*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٩ق.
٣٨. طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٧ق.
٣٩. _____، *المبسوط*، تهران، المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریه، ١٣٨٧ق.
٤٠. _____، *النهاية*، بیروت، دارالکتاب العربی، ١٤٠٠ق.
٤١. عریضی، علی بن جعفر، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، قم، مؤسسة آل البيت ^ لإحیاء التراث، ١٤٠٩ق.
٤٢. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سیوری حلی، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
٤٣. فیض کاشانی، ملا محسن، *النخبة فی الحکمة العملیة و الأحكام الشرعیة*، تهران، مرکز الطباعة والنشر لمنظمة الإعلام الإسلامی،
- ١٤١٨ق.
٤٤. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا بن هادی، *النور الساطع فی الفقه النافع*، بی تا، نسخه نرم افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ١/٢.

۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، به تصحیح غفاری، علی اکبر، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۳ ش.
۴۶. گلپایگانی، سید محمد رضا، *الدر المنضود*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.
۴۷. _____، *مجمع المسائل*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۹ ق.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴۹. محدث نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت^ع، ۱۴۰۸ ق.
۵۰. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۵۱. _____، نجم الدین، جعفر بن حسن، *نکت النهایة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۵۲. _____، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، قم، مؤسسه آل البيت^ع، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. موسوی سیدنقی، *درآمدی بر فلسفه فقه تربیتی، پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۰، بهار ۹۵.
۵۴. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۵۵. _____، *مجمع الرسائل*، مشهد، مؤسسه صاحب الزمان^ع، ۱۴۱۵ ق.
۵۶. نراقی ملا احمد، أحمد بن محمد مهدی، *عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.